

آزمون رویکرد روانشناسی پول و رفتار مالی سرمایه‌گذاران و

سنجش عملکرد مدیران

حسن زهدی^۱ / فریدون رهنمای رودپشتی^۲

رضا غلامی جمکرانی^۳ / علیرضا آقا یوسفی^۴

چکیده

این تحقیق به بررسی و تبیین عوامل رفتاری سرمایه‌گذاران حقوقی در سازمان بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. هدف آن یاری‌رساندن به مدیران شرکت‌های بورس اوراق بهادار در زمینه اتخاذ تصمیمات صحیح مالی از طریق آگاهی بخشی آن‌ها نسبت به این عوامل رفتاری، هست. اگر مدیران به شناخت بهتری از خود و باورهای خود در حوزه مالی برسند و تلاش کنند تا باورهای مخرب مالی را اصلاح نمایند، می‌توانند باعث بهبود عملکرد مالی شرکت شده و علاوه بر دستیابی به اهداف مالی بلندمدت از نظر روانی نیز مطلوبیت بیشتری را احساس کنند.

از این رو، در این تحقیق باورهای پولی مدیران به‌عنوان یکی از ابعاد مهم تأثیرگذار رفتار مالی و عملکرد مالی شرکت در یک مدل جامع مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. این تحقیق به روش پیمایشی و توزیع پرسشنامه بین ۷۰ نفر از مدیران شرکت‌های بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۹۷ انجام پذیرفته است. بر اساس نتایج معادلات ساختاری، یافته‌ها نشان می‌دهد که بین باورهای پولی مدیران (روانشناسی پول) و تصمیمات مالی آن‌ها و عملکرد مالی شرکت، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همچنین مدیران دارای شخصیت پولی، پول‌پرست، دارای عملکرد مالی بهتری نسبت به سایر شخصیت‌های پولی هستند.

واژگان کلیدی: روان‌شناسی پول، شخصیت پولی مدیران، عملکرد مالی شرکت، ارزش شرکت.

طبقه‌بندی موضوعی: G40, G41

۱. دانشجوی دوره دکتری حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استاد گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) rahnama.roodposhti@gmail.com

۳. استادیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۴. دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی، قم، ایران.

۱- مقدمه

گسترش روزافزون دانش به سبب نیازهایی است که در زندگی بشر یکی پس از دیگری آشکار گردیده و موجبات نیازهای جدیدی را فراهم می‌آورد. از این رو مرزهای علوم مختلف دائماً گسترش یافته و بعضاً نیازمند علوم دیگر شده و جهت حل مشکلات و مسائل پیشرو با علوم دیگر ترکیب می‌شوند و حیطه‌ای میان‌رشته‌ای به وجود می‌آید که توان مضاعفی برای فائق آمدن بر مسائل را پیدا می‌کند (اسکندریان، ۱۳۹۰: ۱۸). علوم مالی از جمله علوم است که هر روز گسترش یافته و به طور مستمر دچار مرز گسترتری می‌شود که از آن جمله می‌توان به مباحث روانشناسی و فرهنگی در حسابداری اشاره کرد (محزون، ۱۳۸۹: ۲۵) و بسیار مورد توجه دانش‌پژوهان این دو حیطه قرار گرفته است؛ اما ماحصل این تعامل، میان رشته‌های به ظاهر گوناگون یافته‌های بسیار زیادی است که تاکنون پرده از رازها برداشته و امید آن است تا تحقیقات متعدد آتی روزی گره‌گشای بخش‌های مختلف عرصه دانش باشد. از جمله این تحقیقات بررسی شخصیت و باورهای پولی مدیران و سرمایه‌گذاران به عنوان بازیگران اصلی اقتصاد و بالأخص بازار سرمایه است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

مکتب یا دیدگاه مالی رفتاری که از تلفیق روانشناسی و مالی به وجود آمده است اظهار می‌دارد که روانشناسی در تصمیم‌گیری مالی نقش ایفا می‌نماید (تقفی و پوریان‌سب، ۱۳۸۳: ۹). توجه روزافزون به نقش نگرش‌ها و فاکتورهای درونی افراد و روانشناسی بازار در بررسی‌های مالی باعث گردیده است که تمرکز بسیاری از مباحث مالی در سال‌های اخیر از تحلیل‌های آماری و اقتصادسنجی بر روی قیمت‌ها و سودها به سمت روانشناسی انسانی و حذف چارچوب‌های عقلی و منطقی صرف تغییر نموده و با نگاهی بازتر و با استفاده از مفروضات واقعی‌تر به تبیین و توضیح موضوعات مالی پرداخته شود.

اساس اغلب نظریه‌های مالی مدرن بر پایه دو فرض بنیادی عقلایی بودن سرمایه‌گذاران و کارایی بازارهاست، اما در سال‌های اخیر پژوهشگران مالی رفتاری با مطالعه همزمان رفتارشناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، الگوهای تصمیم‌گیری و مدل‌های رفتاری نظریه‌های خود را بر پایه فرضیه‌هایی در تقابل با فرضیه‌های بنیادی مالی مدرن بنا نهادند. این مطالعات نشان داده است که مالی مدرن به تنهایی نمیتواند پاسخگوی برخی پدیده‌ها در بازارهای مالی باشد، لذا طرفداران مالی رفتاری اعتقاد راسخی دارند که آگاهی از جنبه‌های رفتاری و روانشناسی افراد، همچنین شناخت الگوهای تصمیم‌گیری، مدل‌های رفتاری و جامعه‌شناسی امری ضروری در تصمیم‌های مالی است.

مدیران برای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های مالی عوامل بسیار زیادی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهند. تصمیم‌های مدیران تحت تأثیر عوامل متعددی از قبیل عوامل بیرونی (شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، میزان تبلیغات، مسائل درون شرکتی و...) و عوامل درونی (عوامل روانی) هست؛ و به‌مانند کوه یخی که در آب فرو رفته و فقط قله و نوک آن (عوامل بیرونی) از سطح آب بیرون و قابل مشاهده است و بیشترین بخش کوه یخ (عوامل درونی) در زیر سطح آب پنهان شده است؛ بنابراین امکان پیش‌بینی و تحلیل تصمیم‌های مدیران تحت عوامل بیرونی راحت‌تر از عوامل درونی هست، هرچند مدیران تصمیم‌گیری‌های خود را بیشتر تحت تأثیر عوامل درونی می‌گیرند (دهقان، ۱۳۸۷: ۴۵). در نتیجه به نظر ضروری به نظر می‌رسد با بررسی عوامل روانی و تیپ شخصیتی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری و رفتار مدیران و همچنین با اصلاح و تعدیل آن عوامل، شرایط جهت بهبود عملکرد شرکت‌ها و فعال‌تر شدن بازار بورس اوراق بهادار فراهم گردد.

از سوی دیگر امروزه توجه به عملکرد شرکت‌ها بیش‌ازپیش مورد توجه هست و بحث شکست بنگاه‌ها و تعطیلی واحدها از موضوعاتی است که ذهن مسئولین را به خود مشغول داشته است (یاری داریونی، ۱۳۹۵). مدیران معمولاً مسئول ارزیابی نیروهایی که محرک یا مانع بهبود عملکرد می‌باشند، هستند؛ اما باید در نظر داشت که مدیران نیز مانند سایر افراد از عوامل معینی تأثیر می‌پذیرند که می‌تواند تعبیر آن‌ها از وقایع پیرامون را تحت تأثیر قرار دهد (رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۸: ۲۱۲). همچنین بر اساس تئوری مطرح‌شده باورهای پولی مدیران می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری مدیران و عملکرد مالی شرکت باشد که این تحقیق می‌کوشد تا با بررسی این موضوع و عوامل آن، گامی در راستای کمک به بهبود عملکرد شرکت‌ها با پیشنهادهایی در این زمینه بردارد.

با توجه به مبانی فوق و اینکه در تحقیقات در دسترس در داخل و خارج کشور اشاره‌ای به روانشناسی پول یا باورهای پولی مدیران که تأثیر بسیار زیادی هم در رفتارهای مالی و در نتیجه عملکرد مالی دارد، نشده است و این جنبه بسیار مهم مورد مطالعه قرار نگرفته است. در این تحقیق باورهای پولی مدیران به‌عنوان یکی از ابعاد مهم تأثیرگذار عملکرد مدیران در یک مدل جامع مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

توجه روزافزون به نقش نگرش‌ها و فاکتورهای درونی افراد و روانشناسی بازار در بررسی‌های مالی باعث گردیده است که تمرکز بسیاری از مباحث مالی در سال‌های اخیر از تحلیل‌های آماری و

اقتصادسنجی بر روی قیمت‌ها و سودها به سمت روانشناسی انسانی و حذف چارچوب‌های عقلی و منطقی صرف تغییر نموده و با نگاهی بازتر و با استفاده از مفروضات واقعی‌تر به تبیین و توضیح موضوعات مالی پرداخته شود (رهنمای رودپشتی، ۱۳۸۸). همچنین امروزه توجه به دانش مالی رفتاری به علت گرایش بیشتر به حوزه رفتاری و روانشناسی رو به افزایش است (ابراهیمی سروعلیا، ۱۳۹۵: ۱۳۲). بخش اعظم شبکه پیچیده ذهن آدمی را نگرش‌ها و عادات او تشکیل می‌دهند. درک رفتارهای تأثیرگذار بر فرآیندهای تصمیم‌گیری بسیار مفید هست. عوامل تأثیرگذار بر رفتار افراد هم شامل عوامل روان‌شناختی (نگرش‌های ذهنی، شخصیت افراد، ارزش‌ها، شیوه زندگی و ...) و عوامل جمعیت‌شناختی (جنسیت، سن، سطح تحصیلات، درآمد و ...) هست (روغنی زاده، ۱۳۹۵: ۹۶).

اگر عوامل روان‌شناختی، ویژگی‌ها و تیپ شخصیتی مدیران که بر نحوه تصمیم‌گیری و رفتار آن‌ها مؤثر هست مشخص گردد، در هنگام تصمیم‌گیری‌های مالی، مدیران رفتار غیر عقلایی منحصربه‌فرد خویش را شناسایی و بر این رفتار مسلط می‌گردند و در نهایت با تصمیم‌گیری و رفتار صحیح و منطقی به اهداف مالی موردنظر خود دست می‌یابند. همچنین با شناسایی رفتارهای بالقوه و بالفعل مدیران، امکان اصلاح و تعدیل آن‌ها در جهت بهبود پیامدهای اقتصادی مفید در بورس اوراق بهادار فراهم می‌گردد (روغنی زاده، ۱۳۹۵: ۹۷).

۲-۱- روانشناسی پول

روانشناسی پول از موضوع‌های عمده، اما عمدتاً فراموش‌شده حوزه روانشناسی است و در ضمن از بهترین جنبه‌های علوم رفتاری به شمار می‌رود. با این حال، به هر کتاب روانشناسی که نگاه کنید، بسیار بعید است که واژه پول در نمایه موضوعی آن به چشم بخورد. چرا روانشناسان از بررسی پول غفلت می‌ورزند؟ با مراجعه به منابع مختلف درمی‌یابیم که مقاله‌های مهم و گیرایی از دیدگاه جامعه‌شناسی در زمینه رفتار افراد ثروتمند و فقیر و پیامدهای اجتماعی حاصل از فاصله طبقاتی بین آن‌ها وجود دارد. از طرفی، می‌بینیم که جامعه‌شناسان به بررسی نحوه پس‌انداز یا خرج کردن پول در طبقات مختلف اجتماعی و مقایسه بین افراد و طبقات با یکدیگر علاقه‌مند هستند؛ اما اگر تمام جنبه‌های بررسی‌شده را جمع کنیم، می‌بینیم که موضوع پول و بررسی جنبه‌های مختلف آن از بُعد روانی و جامعه‌شناختی، آن‌گونه که شایسته است مورد توجه واقع نشده است. روانشناسان مانند اقتصاددانان، رفتارهای پولی را تا حدودی عقلانی و یا آن را فراتر از حیطه توجه خود می‌دانند. اقتصاددانان درباره موضوع پول مطالب بسیاری برای گفتن دارند، اما برای حیطه بررسی رفتار انسان این مطالب بسیار اندک و ناقص است. باید

اعتراف کرد که اقتصاددانان و همچنین روانشناسان، متوجه غیرعقلانی بودن رفتارهای پولی روزمره انسان شده‌اند، ولی آن را حاشا می‌کنند. این موضوع اهمیت بررسی روان‌شناختی رفتارهای پولی انسان را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد (مهدیخوانی، ۱۴:۱۳۸۹).

انسان درباره پول چگونه می‌اندیشد و سرچشمه رفتارهای پولی انسان کدام است؟ روان‌شناسی پول بررسی می‌کند، اینکه افراد چه باور و نگرشی درباره پول دارند و رفتارهای پولی و تیپ شخصیت پولی افراد چگونه هست (Argyle, 2000).

بر اساس تئوری آموزش اجتماعی، افراد از دوران کودکی تا بزرگسالی باورهای خود در رابطه پول و مهارت‌های پولی را شکل می‌دهند. به اعتقاد کلانتز (Klontz, 2011) غالب باورهای پولی افراد در دوران کودکی شکل می‌گیرد و عموماً ناخودآگاه است و عاملی است که اکثر رفتارهای مالی افراد و موفقیت و شکست مالی آن‌ها را در بزرگسالی موجب می‌شود. بر این اساس، افراد دارای یکی از چهار شخصیت پولی، پول‌گریز^۵، پول‌پرست^۶، شأن و منزلت وابسته به پول^۷ و محتاط نسبت به پول^۸ هستند.

افراد دارای شخصیت پول‌گریز یا اجتناب از پول، بر این باورند که پول بد است یا این که آن‌ها سزاوار پول نیستند. آن‌ها بر این باور هستند که افراد ثروتمند، حریص و فاسد هستند و زندگی کردن با پول اندک نوعی پرهیزگاری هست. آن‌ها ممکن است در مورد موفقیت‌های مالی خود شکسته‌نفسی کنند یا پولشان را به‌طور ناخودآگاه در مسیری خرج کنند تا کمتر پول داشته باشند. پول‌پرستان یا مال‌دوستان اعتقاد دارند که کلید خوشبختی و راه‌حل تمام مشکلاتشان داشتن پول بیشتر است. همچنین آن‌ها بر این باور هستند که هرگز پول به‌اندازه کافی ندارند و به دنبال به دست آوردن پول بیشتر هستند.

افراد دارای شخصیت شأن و منزلت وابسته به پول، ارزش خود را برابر با ارزش خالص دارایی خود می‌دانند. آن‌ها بیشتر از آنچه دارند وانمود می‌کنند به همین دلیل در خطر ولخرجی هستند. افرادی که شخصیت محتاط نسبت به پول دارند، دائماً مراقب و نگران در مورد وضعیت مالی و رفاه خود هستند. آن‌ها باور دارند که باید پس‌انداز داشته باشند. همچنین این افراد اعتقاد دارند که آن‌ها باید برای پول کار کنند تا اینکه پول برای آن‌ها کار کند. آن‌ها دوست ندارند اعتباری خرید کنند. درحالی که

5. Money avoidance

6. money worship

7. money status

8. money vigilance

عقل به داشتن پس انداز و صرفه جویی حکم می کند و نگرانی بیش از حد یا اضطراب می تواند آن‌ها را از لذت بردن از مواهب یا احساس امنیتی که پول فراهم می آورد دور کند (Klontz, 2016).

۲-۲- پیشینه پژوهش

گسترش مرزهای علوم مالی و روانشناسی و ایجاد حیطه‌ای میان‌رشته‌ای، مرهون پروفیسور ورنون اسمیت (Vernon Smith) و پروفیسور دانیل کانمن (Daniel Kahneman) هست. این دو در سال ۲۰۰۲ به صورت مشترک جایزه نوبل اقتصادی را به خود اختصاص دادند. موسسه نوبل، کانمن را به خاطر وارد کردن بینش‌های روانشناسی به علوم اقتصادی، به ویژه توجه به قضاوت و تصمیم‌گیری افراد تحت شرایط عدم قطعیت و اسمیت را به خاطر استفاده از تجربیات آزمایشگاهی به عنوان ابزاری در تحلیل‌های تجربی اقتصادی مورد قدردانی قرارداد (دارابی، ۱۳۹۵: ۸۰). همچنین اولسن (Ohlson, 2002) نیز عنوان می کند که سعی نمی کند نشان دهد رفتار عقلایی نادرست است، بلکه در تلاش است که کاربرد فرایندهای تصمیم‌گیری روان‌شناختی را در شناخت و پیش‌بینی بازارهای مالی نشان دهد.

شیلر (Schiller, 2000) با مطالعه پیش‌زمینه‌های ذهنی و مشخصات روان‌شناسی، اجتماعی و انسان‌شناسی سرمایه‌گذاران بازار برخی سوگیری‌های رفتاری از جمله اتکا، فرا اعتمادی و نیز ریشه‌های فرهنگی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را مطرح کرد.

مریکاس و دیگران (Merikas, et al., 2003) در تحقیقی با عنوان رفتار سرمایه‌گذاران در بازار بورس آتن، از طریق مطالعه پیمایشی سعی نمودند که عوامل تأثیرگذار بر رفتار سرمایه‌گذاران را در بازار سرمایه یونان شناسایی نمایند. نتایج تحقیق بیانگر این بود که تصمیم‌گیری افراد در سرمایه‌گذاری، تحت تأثیر ترکیبی از معیارهای اقتصادی و سایر معیارها می‌باشند. سرمایه‌گذار برای ورود به سرمایه‌گذاری تنها معیارهای اقتصادی نیست، بلکه توأم با فاکتورهای روان‌شناختی نیز هست. یافته‌های مریکاس آشکار ساخت که سرمایه‌گذار تصمیمات کاملاً عقلایی اتخاذ نمی‌نماید، بلکه اطلاعات موجود را با احساس و انتظار خویش آمیخته نموده و وارد سرمایه‌گذاری می‌شوند.

کالیندو و همکاران (Caliendo, et al., 2014) دریافته‌اند که ویژگی‌های شخصی مدیران در تصمیم‌گیری‌های مالی و سرمایه‌گذاری آن‌ها تأثیر معناداری دارد.

دیویدسون و همکاران (Davidson, et al., 2015) بیان می‌کنند ویژگی‌های شخصیتی و

روانی مدیران می‌تواند بر عملکرد مالی سازمان تأثیرگذار باشد.

همچنین استرومبک و همکاران (Strömbäck, et al., 2018) نشان دادند که ویژگی‌های مثبت روانشناسی مدیران منجر به اتخاذ تصمیمات مالی مثبت و خوب می‌شود. حیدرپور و همکاران (۱۳۹۶) بیان می‌کنند که ویژگی شخصیتی در رفتاری که فرد بروز می‌دهد غیرقابل انکار است، بنابراین می‌توان گفت ویژگی‌های شخصیتی مدیران بر عملکردشان تأثیرگذار است.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رابطه برخی از شاخصه‌های جمعیتی سرمایه‌گذاران با رفتار توده‌وار در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش رابطه بین قومیت، موقعیت جغرافیایی و دوره سنی سرمایه‌گذاران با رفتار توده‌وار سرمایه‌گذاران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تأثیر قومیت‌ها به‌جز قومیت عرب و مناطق جغرافیایی سرمایه‌گذاران به‌استثنای منطقه جغرافیایی جنوب و دوره سنی سرمایه‌گذاران بر رفتار توده‌ای معنادار بوده است.

بنی مهد و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که عواطف و احساسات مثبت به تصمیم‌گیری‌های مالی مثبت و در راستای افزایش ثروت سهامداران و برعکس عواطف و احساسات منفی به تصمیم‌گیری‌های مالی منفی و ناکارآمد منجر می‌شود.

کاشی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر توانمندی رفتار مالی مدیران بانک بر ارزش سهام بانک پاسارگاد به دنبال تأثیر فرآیندهای روان‌شناختی در تصمیم‌گیری مدیران هست. در این مطالعه برای سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است. در بخش سؤالات اصلی تحقیق ده متغیر (ده بعد شامل هدف‌گذاری و انعطاف‌پذیری، آگاهی و پویایی، واقعیت‌گرایی و خوش‌بینی، عمل‌گرایی و خارق‌العاده بودن، هوشمندی و هیجان‌گرایی، زمان‌شناسی و خردورزی، برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی، کنترل کردن و ارزیابی کردن) استفاده شده است. طبق تحلیل آماری انجام‌شده تمامی فرضیات مورد تأیید قرار گرفتند و تمامی عوامل ذکر شده بالا بر ارزش سهام بانک تأثیرگذار بودند.

مالمیر (۱۳۹۷) تأثیر توانمندی رفتار مالی مدیران بر ارزش سهام بانک سرمایه را بررسی نموده است. نتایج نشان داد که عوامل شناختی و ادراکی به‌عنوان توانمندی رفتار مالی مدیران بر ارزش سهام بانک سرمایه تأثیرگذار است.

شیرازیان (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. یافته‌های این مطالعه مؤید تأثیر مثبت

و معنادار سواد مالی و مدیریت پول و مؤلفه‌هایشان بر مدیریت مالی شخصی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران هست.

ابراهیمی لیفشگر (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی سرمایه‌گذاران بر عملکرد سرمایه‌گذاری با نقش میانجی سوگیری‌های مکاشفه‌ای پرداخته است. در این پژوهش در یک مدل جامع، ویژگی‌های شخصیتی و سوگیری‌های مکاشفه‌ای و تأثیری که بر عملکرد سرمایه‌گذاری دارند، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب مدل تحلیلی نشان داد بین ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد سرمایه‌گذاری رابطه مثبت وجود دارد.

قالیباف اصل و جمشیدی (۱۳۹۸) به بررسی سوگیری‌های رفتاری و عملکرد سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد سوگیری‌های رفتاری میان سرمایه‌گذاران کمابیش شایع است و این سوگیری‌ها می‌توانند عملکرد سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهند. غلامی جمکرانی و همکاران (۱۳۹۸) سرمایه اجتماعی مدیران و عملکرد مالی بانک‌ها را بررسی نمودند. نتایج پژوهش نشان داد سرمایه اجتماعی مدیران تأثیر مثبت و معنی‌دار بر معیارهای عملکرد مالی شامل نرخ بازده دارایی‌ها، نسبت سایر درآمدهای عملیاتی به کل دارایی‌های بانک و سود خالص عملیاتی دارد.

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۹۸) چگونگی اثرگذاری سیستم‌های ارزیابی عملکرد جامع بر عملکرد مدیران از طریق تعدیل مدل‌های ذهنی را بررسی نمودند. نتایج نشان داد که گسترش مدل‌های ذهنی باعث بهبود عملکرد مدیران می‌شود. لازم به ذکر می‌باشد، طبق بررسی‌های صورت گرفته پژوهشی، تاکنون در ایران و خارج از کشور پژوهشی به صورت مستقیم به این حوزه مطالعاتی نپرداخته است.

۳- پرسش‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش، پیوند و ارتباط مستقیمی بین نگرش یا باورهای مالی و رفتار مالی افراد وجود دارد. آگاهی از نگرش‌ها تا حد زیادی فرد را قادر به پیش‌بینی رفتارها می‌سازد (Shih and Ke, 2014)؛ بنابراین مدیران شرکت‌ها می‌توانند از طریق آگاهی نسبت به باورها و نگرش‌های مالی خود و اصلاح آن‌ها برای بهبود عملکرد مالی شرکت خود بهره‌گیرند. لذا این فرض وجود دارد که شخصیت پولی مدیران بر عملکرد مالی شرکت تأثیرگذار است؛ بنابراین پرسش‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

- پرسش اصلی تحقیق: آیا بین باورهای پولی مدیران (روانشناسی پول) و رفتار مالی آن‌ها و عملکرد مالی شرکت، ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد؟
- پرسش فرعی ۱: آیا بین شخصیت پولی مدیران پول‌گریز یا اجتناب از پول و عملکرد مالی شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد؟
- پرسش فرعی ۲: آیا بین شخصیت پولی مدیران پول‌پرست یا مال‌دوست و عملکرد مالی شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد؟
- پرسش فرعی ۳: آیا بین شخصیت پولی مدیران شأن و منزلت وابسته به پول و عملکرد مالی شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد؟
- پرسش فرعی ۴: آیا بین شخصیت پولی مدیران محتاط نسبت به پول و عملکرد مالی شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد؟

۴- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش به بررسی چگونگی رابطه بین باورهای پولی مدیران و عملکرد مالی شرکت پرداخته می‌شود و برای انجام تحقیق از روش علمی استفاده شده است. منظور از روش علمی همه راه‌ها و شیوه‌هایی است که پژوهشگر را از لحاظ خطا مصون دارد و امکان رسیدن به حقیقت را برای وی فراهم سازد.

این پژوهش از نظر روش، پیمایشی و از نظر نوع، تحلیلی و از حیث هدف، کاربردی است. از نظر فرآیند اجرا، ترکیبی (کمی و کیفی) هست؛ و در زمره تحقیقات اثباتی قرار گرفته و به توصیف وضع موجود می‌پردازد. همچنین از نظر روش‌ها و مدل‌های آماری، همبستگی مقطعی هست. روش مقطعی از نظر ویژگی زمانی داده‌های جمع‌آوری شده و روش همبستگی برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده بکار گرفته می‌شود.

جامعه آماری این تحقیق دربرگیرنده شرکت‌های بورس اوراق بهادار طی سال‌های ۱۳۹۴ تا پایان ۱۳۹۷ می‌باشد. ابتدا کلیه داده‌ها شامل فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در دوره مذکور از اطلاعات بورس و نرم‌افزار تدبیر پرداز دریافت و نمونه آماری این تحقیق بر اساس حذف سیستماتیک و با توجه به شرایط زیر انتخاب می‌شود:

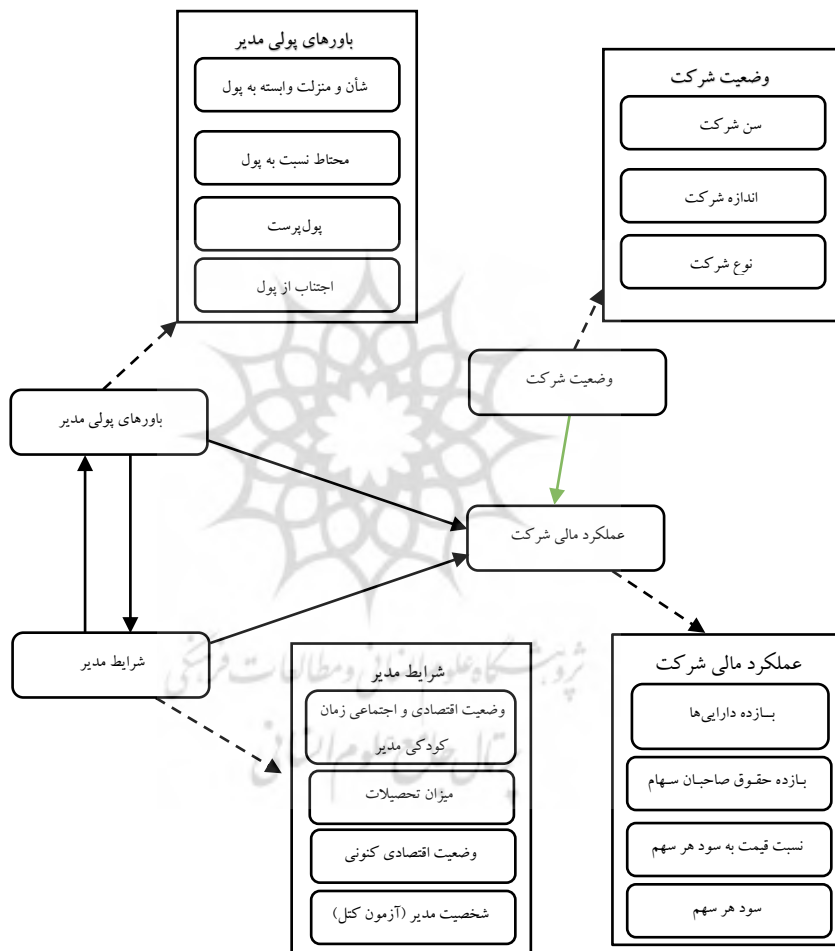
۱- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.

۲- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشند.

۳. شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها طی سال مالی ۹۴ تا ۹۷ کامل و در دسترس باشد.

۴. شرکت‌هایی که در دو سال متوالی (۹۵ و ۹۶) مدیرعامل آن‌ها سابقه تصدی این پس از اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۷۰ شرکت انتخاب شدند.

متغیرهای موردبررسی در قالب یک مدل مفهومی و شرح چگونگی و بررسی و اندازه‌گیری متغیرها به صورت زیر هست:



منبع: (کلانتز، ۲۰۱۶)، (کتل، ۱۹۹۸)

منبع: اربطانی (۱۳۹۴)

نمودار (۱): مدل تحقیق

الف) متغیر مستقل: باورهای پولی مدیران

بر اساس باورهای پولی، مدیران دارای یکی از چهار شخصیت پولی، ۱- اجتناب از پول، ۲- پول‌پرست، ۳- شأن و منزلت وابسته به پول و ۴- محتاط نسبت به پول هستند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد و توسعه‌یافته چهار عاملی شخصیت پولی کلانتز (Klontz, 2016) استفاده شده است. در خصوص اخذ نظرات جامعه آماری برای آن دسته از افراد جامعه آماری (مدیران و مسئولان مالی شرکت‌ها) که امکان دسترسی به آن‌ها مقدور بوده به صورت حضوری و نظرات از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است و برای آن دسته که امکان دسترسی به آن‌ها با توجه به محدودیت‌های زمانی و مکانی محدود بوده است از طریق پست (پست معمولی و پست الکترونیکی E-mail) ارسال و پاسخ‌ها نیز از آن طریق دریافت گردیده است.

ب) متغیر وابسته: عملکرد مالی شرکت

برای سنجش متغیر عملکرد مالی شرکت از چهار معیار زیر که از صورت‌های مالی شرکت‌ها استخراج می‌گردد، استفاده شده است.

۱- بازده دارایی‌ها (ROA)-۲- بازده حقوق صاحبان سهام (ROE)-۳- نسبت P/E-

۴- سود هر سهم (EPS)

ج) متغیر تعدیل‌گر: شرایط مدیر و شخصیت مدیر

برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به شرایط مدیر از پرسشنامه استفاده شده است. همچنین برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به شخصیت روانی مدیر از پرسشنامه ۱۶ عاملی شخصیت (آزمون کتل) به روش آماری تحلیل عاملی استفاده شده است.

د) متغیر کنترلی: وضعیت شرکت

سه متغیر کنترلی پژوهش، سن شرکت، اندازه شرکت و نوع صنعت است. متغیر اندازه شرکت با استفاده از معیار، لگاریتم مجموع دارایی‌های شرکت در تاریخ ترازنامه اندازه‌گیری می‌شود.

ه- یافته‌های پژوهش

نمونه آماری این پژوهش شامل ۷۰ نفر از مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران هست که از نظر جنسیت مطابق جدول ۱ شامل ۶۱ نفر مرد و ۹ نفر زن می‌باشند؛ بنابراین افراد نمونه که دارای جنسیت مرد می‌باشند، بیشترین فراوانی را دارند.

همچنین اکثریت افراد مورد مطالعه را مطابق جدول شماره ۲ سطح تحصیلات کارشناسی و بالاتر (۶۷ نفر) تشکیل داده است. یافته‌های جدول شماره ۳ بیانگر آن است که وضعیت اجتماعی و اقتصادی دوران کودکی اکثر مدیران مطلوب بوده و بیش از ۶۴ درصد مدیران (۴۵ نفر) در دوران کودکی در طبقه متوسط و متوسط به بالای جامعه قرار داشتند. این در حالی است که فقط ۲۵ نفر از آنان در دوران کودکی در طبقه پائین و طبقه پائین تر از متوسط جامعه بوده‌اند. یافته‌های جدول ۴ بیانگر وجود شرکت‌ها از صنایع مختلف هست که این موضوع می‌تواند تا حد زیادی تصادفی بودن و عدم تأثیر نوع صنعت را بر نتایج تحقیق نشان دهد. همچنین میانگین و انحراف معیار متغیرهای وضعیت شرکت (اندازه و عمر شرکت) نیز در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۱. فراوانی نمونه بر حسب جنسیت آزمودنی‌ها

نام متغیر	طبقه‌بندی	تعداد	درصد
جنسیت	زن	۹	۱۲/۸۵
	مرد	۶۱	۸۷/۱۵

جدول ۲. فراوانی نمونه بر حسب میزان تحصیلات آزمودنی‌ها

نام متغیر	طبقه‌بندی	تعداد	درصد
میزان تحصیلات	فوق دیپلم	۳	۴/۲۸
	لیسانس	۳۶	۴۸/۸۵
	فوق لیسانس	۲۲	۳۱/۴۲
	دکتری و دانشجوی دکتری	۱۱	۱۵/۷۱

جدول ۳. فراوانی نمونه بر حسب وضعیت اجتماعی و اقتصادی دوران کودکی آزمودنی‌ها

نام متغیر	طبقه‌بندی	تعداد	درصد
وضعیت اجتماعی و اقتصادی دوران کودکی	طبقه پائین جامعه	۱۲	۱۷/۱۴
	پائین تر از طبقه متوسط جامعه	۱۳	۱۸/۵۷
	طبقه متوسط جامعه	۳۸	۵۴/۲۸
	طبقه متوسط به بالا جامعه	۱	۱/۴۲
	طبقه بالا جامعه	۶	۸/۵۷

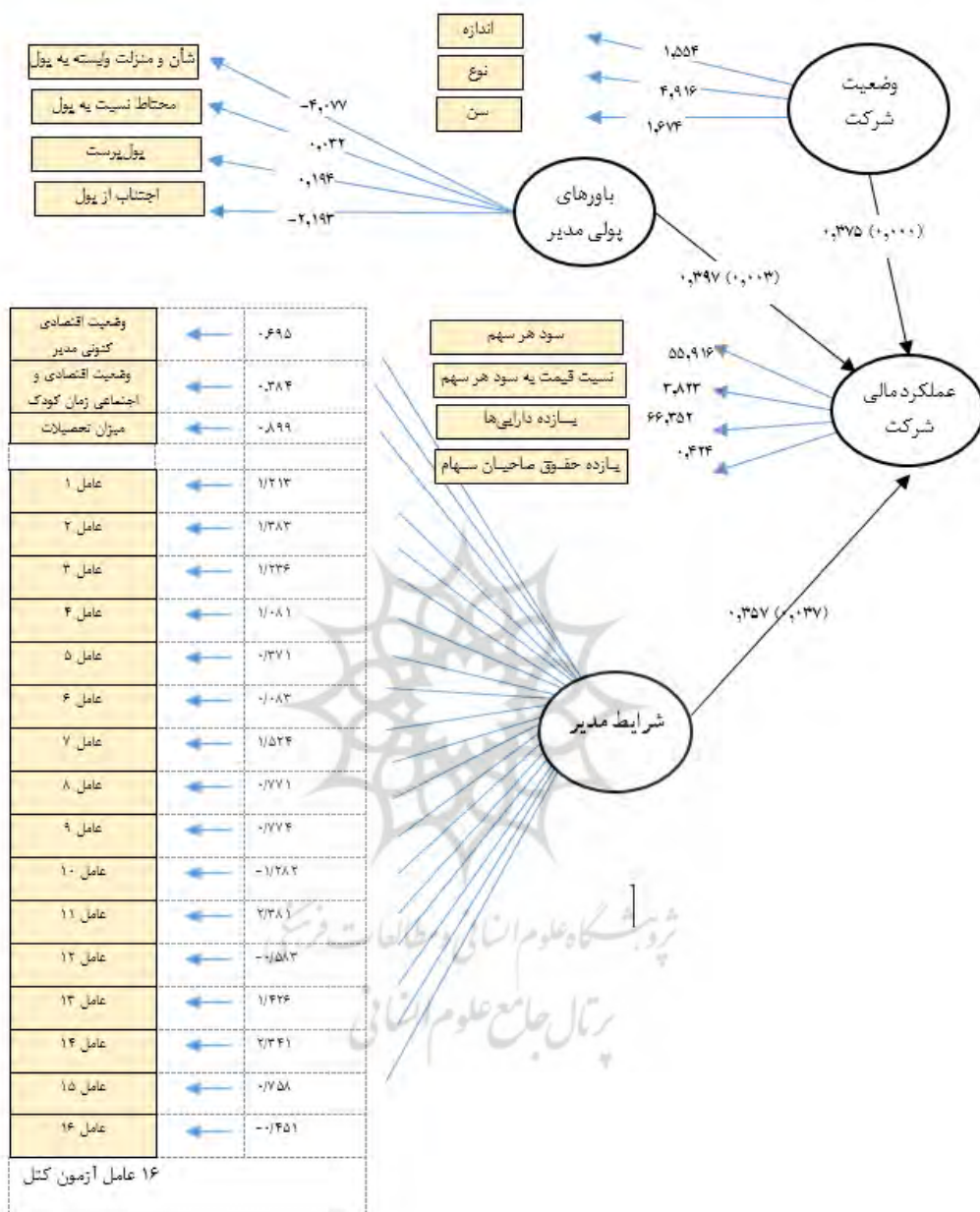
جدول ۴. میانگین و انحراف معیار متغیرهای وضعیت شرکت

چولگی	انحراف معیار	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	تعداد		
۰,۴۲	۱/۱۳	۱۴/۲۲	۱۷	۱۲	۷۰	اندازه شرکت	وضعیت
-۰,۱۷	۱۳/۴۴	۴۱/۴۹	۶۶	۱۱	۷۰	عمر شرکت	شرکت

جدول ۵. فراوانی نمونه برحسب صنعت

درصد (فراوانی نسبی)	تعداد	
۱/۴۲	۱	استخراج کانه‌های فلزی
۱/۴۲	۱	استخراج نفت گاز جز اکتشاف
۱۲/۸۵	۹	خودرو و قطعات
۸/۵۷	۶	دارویی
۸/۵۷	۶	دستگاه‌های برقی
۱/۴۲	۱	زراعت و خدمات وابسته
۱۱/۴۲	۸	سیمان آهک گچ
۸/۵۷	۶	شیمیایی
۵/۷۱	۴	غذایی به جز قند و شکر
۱/۴۲	۱	فرآورده‌های نفتی
۸/۵۷	۶	فلزات اساسی
۱۰	۷	قند و شکر
۵/۷۱	۴	کاشی و سرامیک
۵/۷۱	۴	کانی غیرفلزی
۴/۲۸	۳	لاستیک و پلاستیک
۲/۸۴	۲	ماشین‌آلات و تجهیزات
۱/۴۲	۱	محصولات فلزی

در این پژوهش برای نیل به هدف ارزیابی رابطه بین متغیرها از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) استفاده نموده‌ایم. مدل برازش داده‌شده به اطلاعات جمع‌آوری‌شده متناسب با مدل مفهومی تحقیق به صورت زیر هست.



نمودار ۲. مدل معادلات ساختاری به همراه ضرایب مسیر و سطح معناداری

یافته‌های نمودار فوق بیانگر آن است که باورهای پولی مدیر و شرایط مدیر تأثیر معناداری بر عملکرد مالی شرکت داشته است و بهبود هر یک از دو متغیر مذکور می‌تواند باعث بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها گردد.

فرضیه اصلی پژوهش: بین باورهای پولی مدیران (روانشناسی پول) و رفتار مالی آن‌ها و عملکرد مالی شرکت، ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

برای ارزیابی فرضیه اصلی پژوهش رابطه بین برآیند باورهای پولی مدیران بر عملکرد مالی شرکت با استفاده از نتایج نمودار (۲) متناظر با ضرایب مسیر و سطح معناداری متغیرهای مذکور مورد تحلیل قرار داده‌ایم که نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل معادلات ساختاری در تأثیر باورهای پولی مدیران و رفتار مالی آن‌ها و عملکرد مالی شرکت

نتیجه	سطح معناداری	آماره t	ضریب اثر (بار عاملی)	متغیر
تأیید	۰/۰۰۳	۳/۵۲۲	۰/۳۹۷	باورهای پولی مدیران و عملکرد مالی شرکت

بر اساس نتایج برازش معادلات ساختاری، ضریب رگرسیونی متناظر با تأثیر باورهای پولی مدیران (روانشناسی پول) و رفتار مالی آن‌ها و عملکرد مالی شرکت $\beta = ۰/۳۹۷$ و آماره t مربوط به آن $۳/۵۲۲$ و همچنین سطح معناداری متناظر با آن کمتر از $۰/۰۵$ هست ($p = ۰/۰۰۳ < ۰/۰۵$)؛ بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع‌آوری شده فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه "بین باورهای پولی مدیران (روانشناسی پول) و رفتار مالی آن‌ها و عملکرد مالی شرکت، ارتباط معنی‌داری وجود دارد" با اطمینان $۰/۹۵$ تأیید می‌شود.

فرضیه اول: شخصیت پولی مدیران پول‌گریز یا اجتناب از پول بر عملکرد مالی شرکت مؤثر هست.

بر اساس نتایج برازش معادلات ساختاری، ضریب رگرسیونی متناظر با تأثیر باورهای مدیران دارای شخصیت پولی، پول‌گریز یا اجتناب از پول بر عملکرد مالی شرکت $\beta = -۴/۰۷۷$ و آماره t مربوط به آن $۸/۱۲۹$ و همچنین سطح معناداری متناظر با آن کمتر از $۰/۰۵$ هست ($p = ۰/۰۰۱ < ۰/۰۵$)؛ بنابراین با توجه به اطلاعات جمع‌آوری شده فرضیه فرعی اول پژوهش مبنی بر اینکه "شخصیت پولی مدیران پول‌گریز یا اجتناب از پول بر عملکرد مالی شرکت مؤثر هست" در سطح اطمینان $۰/۹۵$ مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین بین شخصیت پولی مدیران پول‌گریز یا اجتناب از پول و عملکرد

مالی شرکت رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد یعنی هرچقدر که شخصیت پولی مدیران به شخصیت پول گریز، نزدیک تر باشد تأثیر منفی بر عملکرد مالی شرکت دارد و آن را کاهش می دهد. **فرضیه دوم:** شخصیت پولی مدیران پول پرست یا مال دوست بر عملکرد مالی شرکت مؤثر هست.

بر اساس نتایج برازش معادلات ساختاری، ضریب رگرسیونی متناظر با تأثیر باورهای مدیران دارای شخصیت پولی، پول پرست یا مال دوست بر عملکرد مالی شرکت $\beta = ۰/۰۳۲$ و آماره t مربوط به آن $۳/۳۵۴$ و همچنین سطح معناداری متناظر با آن کمتر از $۰/۰۵$ هست ($p = ۰/۰۳۶ < ۰/۰۵$)؛ بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع آوری شده فرضیه فرعی دوم پژوهش مبنی بر اینکه "شخصیت پولی مدیران پول پرست یا مال دوست بر عملکرد مالی شرکت مؤثر هست" با اطمینان $۰/۹۵$ مورد تأیید قرار می گیرد. همچنین بین شخصیت پولی مدیران پول پرست یا مال دوست و عملکرد مالی شرکت رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد؛ یعنی هرچقدر که شخصیت پولی مدیران به شخصیت پول پرست، نزدیک تر باشد تأثیر بهتری بر عملکرد مالی شرکت دارد و باعث بهبود آن می شود.

فرضیه سوم: شخصیت پولی مدیران شأن و منزلت وابسته به پول بر عملکرد مالی شرکت مؤثر هست.

بر اساس نتایج برازش معادلات ساختاری، ضریب رگرسیونی متناظر با تأثیر باورهای مدیران دارای شخصیت پولی، شأن و منزلت وابسته به پول بر عملکرد مالی شرکت $\beta = ۰/۱۹۴$ و آماره t مربوط به آن $۳/۰۸۵$ و همچنین سطح معناداری متناظر با آن کمتر از $۰/۰۵$ هست ($p = ۰/۰۰۱ < ۰/۰۵$)؛ بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع آوری شده فرضیه فرعی سوم پژوهش مبنی بر اینکه "شخصیت پولی مدیران شأن و منزلت وابسته به پول بر عملکرد مالی شرکت مؤثر هست" با اطمینان $۰/۹۵$ مورد تأیید قرار می گیرد. همچنین بین شخصیت پولی مدیران شأن و منزلت وابسته به پول و عملکرد مالی شرکت رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد؛ یعنی هرچقدر که شخصیت پولی مدیران به شخصیت منزلت وابسته به پول، نزدیک تر باشد تأثیر مثبت بر عملکرد مالی شرکت دارد و آن را افزایش می دهد. **فرضیه چهارم:** شخصیت پولی مدیران محتاط نسبت به پول بر عملکرد مالی شرکت مؤثر هست.

بر اساس نتایج برازش معادلات ساختاری، ضریب رگرسیونی متناظر با تأثیر باورهای مدیران دارای شخصیت پولی، محتاط نسبت به پول بر عملکرد مالی شرکت $\beta = -۲/۱۹۳$ و آماره t مربوط به آن $-۲/۰۸۵$ و همچنین سطح معناداری متناظر با آن کمتر از $۰/۰۵$ هست ($p = ۰/۰۳۷ < ۰/۰۵$)؛

بنابراین با عنایت به اطلاعات جمع‌آوری شده فرضیه فرعی چهارم پژوهش مبنی بر اینکه "شخصیت پولی مدیران محتاط نسبت به پول بر عملکرد مالی شرکت مؤثر هست" با اطمینان ۰/۹۵ تأیید می‌شود. بین شخصیت پولی مدیران محتاط نسبت به پول و عملکرد مالی شرکت رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد؛ یعنی هرچه قدر که شخصیت پولی مدیران به شخصیت محتاط نسبت به پول، نزدیک‌تر باشد تأثیر منفی بر عملکرد مالی شرکت دارد و آن را کاهش می‌دهد.

۱-۵- تحلیل آزمون کتل

در این پژوهش علاوه بر موارد مطرح شده در بالا، آزمون کتل نیز به‌عنوان یکی از عوامل تعیین شخصیت مدیر در نظر گرفته شده است.

آزمون شخصیت ۱۶ عاملی کتل^۹ همچون سایر آزمون‌های ساخت دار بر اساس این فرض ساخته شده است که صفات انسانی در موقعیت‌های گوناگون از ثبات نسبی برخوردارند و از فردی به فرد دیگر تفاوت می‌کند و درعین حال این صفات قابل اندازه‌گیری هستند. آزمون کتل بر ۱۶ صفت عمقی استوار است که شخصیت انسان را وصف می‌کنند. صفات عمقی، منبع و سرچشمه و علت واقعی رفتار آدمی هستند. و به‌صورت عوامل و پدیده‌ی زیربنایی شخصیت عمل می‌کنند. ویژگی‌های شخصیتی و توانایی‌های شناختی از عوامل اصلی پیش‌بینی کننده عملکرد مطلوب افراد هست. (شریفی، ۱۳۸۷).

بنا به اظهار کوپر و روبرتسون ویژگی‌های شخصیتی به دلیل توسعه و پایداری قابل قبول آن‌ها بر سایر ویژگی‌ها برتری دارند. بر همین اساس آزمون‌های شخصیتی در کنار سایر ویژگی‌های روانی افراد مورد بررسی قرار می‌گیرند. *رئال جاب علوم انسانی*

تفسیرهای بارهای عاملی متناظر با عوامل ۱۶ گانه آزمون کتل به‌صورت زیر هست.

^۹. Cattell's 16 personality factors Test

جدول ۷. تحلیل نتایج آزمون کتل

بار عاملی	عوامل	
۱/۲۱۳	حمایتگری در برابر خودخواهی	عامل ۱
۱/۳۸۳	تفکر انتزاعی در برابر تفکر عینی	عامل ۲
۱/۲۳۶	پایداری هیجانی در برابر ناپایداری هیجانی	عامل ۳
۱/۰۸۱	سلطه‌گری در برابر سلطه‌پذیری	عامل ۴
۰/۳۷۱	سرزندگی در برابر گوشه‌گیری	عامل ۵
۰/۰۸۳	قانون‌مداری در برابر قانون‌گریزی	عامل ۶
۱/۵۲۴	جسور بودن در برابر محتاط بودن	عامل ۷
۰/۷۷۱	احساساتی بودن در برابر کله‌شق بودن	عامل ۸
۰/۷۷۴	شکاک در برابر زودباور	عامل ۹
-۱/۲۸۲	خیال‌پردازی در برابر عمل‌گرایی	عامل ۱۰
۲/۳۸۱	خود افشاگری در برابر ملاحظه‌کار	عامل ۱۱
-۰/۵۸۳	نگرانی در برابر آسودگی	عامل ۱۲
۱/۴۲۶	تحول‌گرایی در برابر محافظه‌کاری	عامل ۱۳
۲/۳۴۱	مستقل در برابر متکی به دیگران	عامل ۱۴
۰/۷۵۸	در چارچوب در برابر بی‌قیدوبند	عامل ۱۵
-۰/۴۵۱	ناآرامی در برابر خونسردی	عامل ۱۶

بر اساس نتایج مذکور مشخص می‌شود که صفات عمقی مدیر بر عملکرد مالی شرکت تأثیرگذار است؛ در حقیقت هر یک از عوامل جدول فوق دو جنبه دارد که بار عامل نشان‌دهنده افزایش بعد اولیه مطرح‌شده در جدول شماره ۷ هست. برای مثال بهبود ویژگی شخصیتی مدیر در شاخص حمایتگری (عامل ۱) با توجه به بار عاملی مثبت ۱/۲۱۳ باعث بهبود عملکرد مالی شرکت خواهد شد. درحالی‌که در شاخص ناآرامی (عامل ۱۶) بار عاملی منفی ۰/۴۵۱- نشان می‌دهد افزایش تنش عصبی یا ناآرامی مدیر باعث کاهش میزان عملکرد مالی شرکت خواهد شد. به‌طور کلی به جزء سه عامل (عامل ۱۰؛ خیال‌پردازی در مقابل عمل‌گرایی با بار عاملی ۱/۲۸۲- و عامل ۱۲؛ نگرانی در مقابل آسودگی با بار عاملی ۰/۵۸۳- و عامل ۱۶؛ ناآرامی در مقابل خونسردی با بار عاملی ۰/۴۵۱-)

سایر عوامل باعث بهبود وضعیت روانی مدیر شده و در نتیجه بهبود عملکرد مالی شرکت را به دنبال خواهد داشت.

۶- نتیجه‌گیری و بحث

امروزه دانش و علوم در حوزه‌های مختلف، با چالش‌های متفاوت مواجه هستند و علت آن را می‌توان گسترش مرزهای دانش دانست. همچنین، با تخصصی‌تر شدن علوم بشری، فاصله بین مرزهای علوم مختلف هم به نوعی کمتر شده که این رخدادها با به وجود آمدن موضوعات بین‌رشته‌ای و زمینه‌های کاری مشترک پررنگ‌تر هم گردید که رشته حسابداری از این امر مستثنا نبوده است (رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۵: ۴۶).

در این تحقیق تلاش کردیم که با به‌کارگیری مفاهیمی از حوزه روان‌شناسی پول، دانش خود را درباره تفاوت‌های میان مدیران در زمینه رفتار و عملکرد مالی، بهبود دهیم. برای این کار، رفتار و عملکرد مدیران را با تمرکز بر مؤلفه‌های شخصیت پولی بررسی کردیم و به‌طور مشخص، بر چهار شخصیت پولی (پول‌گریز یا اجتناب از پول، پول‌پرست یا مال‌دوست، شأن و منزلت وابسته به پول، محتاط نسبت به پول) متمرکز شده و در نهایت، تأثیر هر یک از این شخصیت‌های پولی را بر عملکرد مالی شرکت‌ها مطالعه کردیم. نتایج نشان داد که باورهای پولی مدیران و رفتار مالی آن‌ها، عملکرد مالی شرکت را متأثر می‌کند.

در این میان شرکت‌هایی که دارای مدیران دارای شخصیت پولی، پول‌پرست و شخصیت پولی شأن و منزلت وابسته به پول بودند عملکرد مالی به مراتب بهتری از شرکت‌هایی با مدیران شخصیت پولی پول‌گریز و شخصیت پولی محتاط نسبت به پول، داشتند. در تفسیر این نتایج باید به این موضوع توجه داشته باشیم که افراد پول‌پرست و افرادی که دارای عقاید شأن و منزلت وابسته به پول هستند تفکر بسیار مثبت‌تری نسبت به پول در مقایسه با شخصیت‌های پولی دیگر دارند. آن‌ها اعتقاد دارند که کلید خوشبختی و راه‌حل تمام مشکلاتشان داشتن پول بیشتر است؛ و همچنین هرچه که میزان ارزش خالص دارایی‌شان افزایش یابد، احساس بهتری دارند و شخصیت و منزلتشان نیز افزایش می‌یابد. همچنین شخصیت‌های پولی، پول‌گریز و محتاط نسبت به پول بر این باورند که پول بد است یا این که آن‌ها سزاوار پول نیستند. آن‌ها بر این باور هستند که افراد ثروتمند، حریص و فاسد هستند و زندگی کردن با پول اندک نوعی پرهیزگاری است. آن‌ها ممکن است در مورد موفقیت‌های مالی خود شکسته‌نفسی کنند یا پولشان را به‌طور ناخودآگاه در مسیری خرج کنند تا کمتر پول داشته باشند.

همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مراحل مختلف زندگی مدیران تأثیر معنادار بر باورهای آنان نسبت به پول داشته است. با بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی دوران کودکی مدیران به این نتیجه رسیدیم که مدیرانی که در طبقه متوسط به بالای جامعه در دوران کودکی رشد کرده‌اند نسبت به مدیرانی که وضعیت اقتصادی و اجتماعی ضعیفی در دوران کودکی خود تجربه کرده‌اند، باورهای بهتری نسبت به پول دارند و دارای عملکرد مالی بهتری در شرکت‌های تحت مدیریت خود هستند.

دیگر نتایج متغیرهای کنترلی پژوهش حاکی از این است که شخصیت روانی مدیر نیز که با استفاده از آزمون کتل اندازه‌گیری شد بر عملکرد مالی شرکت تأثیرگذار است. بهبود شاخص‌های مرتبط با وضعیت روانی مدیر بهبود عملکرد مالی شرکت را به دنبال خواهد داشت. آگاهی از باورها و نگرش‌ها تا حد زیادی فرد را قادر به پیش‌بینی رفتارها می‌سازد. البته روشن است که رفتارها از عوامل متعددی ناشی شده و شرایط و موقعیت‌های گوناگونی در شکل‌گیری و تعدد آن‌ها مؤثر است؛ اما همه این عوامل و شرایط، رفتار را در بستری همساز با باورها جهت می‌دهند (Arbusent, 2009)، مطالعه انجام‌شده توسط شیم و همکاران (shim, et al., 2009) نیز مؤید وجود پیوندهای مستقیم بین نگرش و رفتار مدیریت مالی است. به‌علاوه شی و کی (Shih and Ke, 2014) نیز نتیجه‌گیری کرده‌اند که نگرش‌ها و باورهای مالی در تعیین رفتار مالی اشخاص نقش مهمی دارد. مطالعات بسیار معدودی در ایران در این حوزه صورت پذیرفته است که در این میان می‌توان به مطالعه شیرازیان (۱۳۹۷) اشاره نمود. در این پژوهش نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. یافته‌های این مطالعه نیز مؤید تأثیر مثبت و معنادار سواد مالی و مدیریت پول و مؤلفه‌هایشان بر مدیریت مالی سرمایه‌گذاران بورس اوراق بهادار تهران است.

یافته‌های این پژوهش چندین دستاورد و ارزش افزوده علمی برای استفاده‌کنندگان دارد. اول به اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود از انتخاب مدیرانی که دارای شخصیت‌های پولی، پول‌گریز یا اجتناب نسبت به پول هستند و باورها و نگرش‌های خوبی نسبت به پول ندارند، خودداری کنند؛ زیرا سوگیری رفتاری آن‌ها به ارزش شرکت آسیب می‌رساند و به منافع سرمایه‌گذاران لطمه زیادی وارد می‌کند.

دوم با توجه به ارتباط بین نگرش‌های مالی مدیران و موفقیت مالی شرکت به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کلان اقتصادی و سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا با بررسی دقیق معانی

و مفاهیم شخصیت‌های پولی و باورهای پولی، شناخت مدیران و تصمیم‌گیران مالی نسبت به این حوزه بسیار مهم را، بالا ببرند و نظر مدیران را به اهمیت و تأثیرگذاری آن در تصمیمات و عملکرد مالی شرکت جلب نمایند. همچنین رسانه‌ها اعم از تلویزیون، رادیو، شبکه‌های اجتماعی و ... با نظارت متخصصان و مسئولین به بهبود نگرش افراد جامعه خصوصاً مدیران شرکت‌ها نسبت به باورها و دیدگاه‌ها نسبت به پول و مسائل مالی بپردازند (Jisking, et al., 2014) و درک عموم افراد جامعه و خصوصاً افرادی که با مسائل مالی و تصمیم‌گیری‌های مالی در ارتباط هستند را در این زمینه بالا ببرند. در پایان نیز به محققین آتی پیشنهاد می‌گردد با توجه به اینکه عملکرد شرکت برای مدت دو سال مدنظر قرار داده شده است، این تحقیق را در دوره زمانی بلندمدت‌تر و همچنین در دیگر بازارهای موجود در ایران بررسی نمایند.



منابع و مآخذ

۱. آرگایل، مایکل و فرنهام، آدریان. (۱۳۹۶). کتاب روانشناسی پول. (شهلا یاسائی). تهران. انتشارات جوانه رشد. (۲۰۰۰).
۲. ابراهیمی سروعلیا، محمدحسن؛ مرفوع، محمد؛ قنبرلو، فاطمه. (۱۳۹۵)، "رابطه هوش معنوی با تورش های رفتاری در سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال نهم، شماره ۳۳، صص ۱۳۱-۱۵۴.
۳. احدیان پور پروین، دنیا؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ نیکومرام، هاشم؛ رویایی، رمضانعلی. (۱۳۹۸)، "چگونگی اثرگذاری سیستم های ارزیابی عملکرد جامع بر عملکرد مدیران از طریق تعدیل مدل های ذهنی"، دو فصل نامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۲۰۹-۲۳۹.
۴. تپروان، کورت. (۱۳۸۸). کتاب راز پول. (کلارا کرمی). تهران. انتشارات نسل نواندیش. (۲۰۰۱).
۵. تلنگی، احمد. (۱۳۸۳)، "تقابل نظریه نوین مالی و مالی رفتاری"، فصلنامه تحقیقات مالی، شماره ۱۷، صص ۳-۲۶.
۶. تقفی، علی و پوریاناسب، امیر. (۱۳۸۳)، "پژوهش های تجربی حسابداری"، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری، سال اول، شماره ۳، صص ۸-۱۷.
۷. دارابی، رؤیا؛ چناری بوکت، حسن؛ ولی خانی، محمدجعفر. (۱۳۹۵)، "ابعاد و رویکردهای نظریه مالی رفتاری"، فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال پنجم، شماره ۱۷.
۸. دهقان، عبدالمجید. (۱۳۸۷)، "بررسی عوامل روانی تأثیرگذار بر قصد افراد به سرمایه گذاری سهام در بورس اوراق بهادار"، ماهنامه بورس، شماره ۷۴، صص ۴۰-۴۶.
۹. روغنی زاده، مرجان. (۱۳۹۵)، "عوامل و ویژگی های رفتاری و تیپ شخصیتی مؤثر بر تصمیم گیری سرمایه گذار در بورس اوراق بهادار"، نشریه مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره ۲، شماره ۳، صص ۹۲-۱۰۳.
۱۰. رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۳). کاربرد مدل های روانشناسی در حسابداری مدیریت (چاپ اول)، انتشارات ترمه.
۱۱. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ خردیار، سینا؛ ایمنی، محسن. (۱۳۹۵). "ریشه تاریخی جریان پژوهش ها در حسابداری مدیریت رفتاری (تئوری ها و روش های پژوهش)". دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره ۱، صص ۲۵-۵۲.

۱۲. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ زمردیان، غلامرضا؛ اسکندریان، احمد. (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بروز تورش‌های رفتاری و ظرفیت ریسک‌پذیری با شخصیت سرمایه‌گذاران"، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
۱۳. فیضی، کامران و مقدسی، علیرضا. (۱۳۸۴)، "کاربرد سیستم‌های پشتیبان تصمیم در تصمیم‌گیری مدیران"، نشریه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، دوره ۱۲، شماره ۴۵، صص ۱۳۹-۱۶۱.
۱۴. کانمن، دانیل. (۱۳۹۷). کتاب تفکر، سریع و کند. (فروغ تالوصمدی). تهران. دانش بهمن. (۲۰۱۱).
۱۵. مهدیخواری، علیرضا. (۱۳۸۹)، روانشناسی پول، ماهنامه اقتصاد ایران، سال سیزدهم، شماره ۱۴۱.
۱۶. مینوئی، مهرزاد و گندمکار، نیلوفر. (۱۳۹۵)، "بررسی تأثیر عوامل مالی رفتاری بر سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار"، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده مدیریت و حسابداری.
۱۷. یاری، فرانک و کیوان فتحی ارطه. (۱۳۹۵)، "تأثیر قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره دوم، شماره ۳.
18. Akerlof, G. A., and Shiller, R. J. 2010. Animal spirits: how human psychology drives the economy, and why it matters for global capitalism (New in paper). Princeton University Press.
19. Daniel, K. Hirshleifer, D. and A. subrahmanyam. 1998. Investor psychology and security market under-and overreactions. *Journal of Finance* 53: 1839-1885.
20. Klontz, B., Britt, S. L., Mentzer, J., and Klontz, T. 2011. Money Beliefs and Financial Behaviors: Development of the Klontz Money Script Inventory. *Journal of Financial Therapy*.
21. Kahneman, Daniel, and Amos Tversky. 1979. Prospect Theory: An Analysis of Decision Under Risk, *Econometrica*, 47: 92-263.
22. Richards, C. 2012. *The Psychology of Wealth, Understand Your Relationship with Money and Achieve Prosperity*. NEW YORK. McGraw-Hill. 242.
23. Taylor, C. D., Klontz, B., and Britt, S. L. 2016. Reliability and Convergent Validity of the Klontz Money Script Inventory-Revised (KMSI-R). *Journal of Financial Therapy*.
24. Thaler, Richard. 1999. The End of Behavioral Toward Risk, *Review of Economic Studies* 25(67): 65-86.

Testing the Psychology of Money and Financial Behavior of Investors and Assessing the Performance of Managers

Hassan Zohdi¹⁰
Fraydoon Rahnamay Roodposhti¹¹
Reza Gholami Jamkrani¹²
Alireza Agha Yousefi¹³

Abstract:

This study investigates the behavioral factors of legal investors in Tehran Securities and Exchange Organization. Its purpose is to assist Managers of Securities and Exchange companies in making sound financial decisions by informing them of these behavioral factors. If managers gain a better understanding of themselves and their beliefs in the financial arena and try to refine destructive financial beliefs, they can improve the financial performance of the company and feel more desirable in addition to achieving long-term financial goals.

Therefore, in this study, managers' monetary beliefs as one of the most important aspects of influencing financial behavior and financial performance of a company in a comprehensive model have been investigated and evaluated. This research was conducted by surveying and distributing questionnaires among 70 executives of Securities and Exchange companies in 1397. Based on the results of structural equations, the findings show that there is a significant relationship between managers' monetary beliefs (Psychology of Money) and their financial decisions and firm's financial performance. Managers who are money worship, also have better financial performance than other monetary personalities.

Keywords: Psychology of Money, Monetary Personality of Managers, Corporate Financial Performance, Corporate Value

JEL Classification: G40, G41

¹⁰ PhD student in Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

¹¹ Professor, Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author) rahnama.roodposhti@gmail.com

¹² Assistant Professor of Accounting, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

¹³ Associate Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Faculty of Humanities, Qom, Iran.